

اهمیت و اصول تصحیح متن در نظر استاد عبدالحسین زرین کوب

رحیم پاک‌نژاد

دانشجوی کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

am72.paknejad@gmail.com

چکیده

یکی از بنیان‌های تحقیق در ادبیات، مقوله تصحیح متن است که اصول و قواعد مشخصی دارد. هدف از تصحیح متن، ارائه صورتی اصیل از متنی کهن است. نظر به اهمیت این فن، برخی از صاحب‌نظران کوشیده‌اند ضمن تأکید بر اهمیت تصحیح متن، بایدها و نبایدهای آن را روشن کنند. استاد عبدالحسین زرین کوب نیز از این جهت مستثنی نیست و برخی از جستارهای او به همین موضوع اختصاص یافته است. اهمیت تصحیح و ماهیت آن، شیوه‌های تصحیح متن و همچنین تحریفات عمدی و سهوی کاتبان در کتابت نسخه‌ها، از جمله موضوعاتی هستند که در جستارهای زرین کوب درباره‌ی تصحیح متن مورد توجه قرار گرفته‌اند. زرین کوب داوری‌هایی نیز در خصوص روش کار مستشرقان در تصحیح و همچنین تصحیحات بدیع‌الزمان فروزانفر داشته است که مراجعه به این آراء، مصادیق تصحیح درست متن را در نظر زرین کوب نشان می‌دهد. نگارنده در این جستار با کاربری رویکرد توصیفی تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، اهمیت و اصول تصحیح متن در نظر زرین کوب را صورت‌بندی کرده است.

کلیدواژه‌ها: تصحیح متن، زرین کوب، تحریفات، مستشرقان، فروزانفر

۱. مقدمه:

به‌دست‌دادن صورتی منقح و اصیل از متنی کهن، یکی از بنیان‌های پژوهش در حوزه‌ی ادبیات است. تحقیق درباره‌ی یک متن ادبی کهن، بدون دست‌یافتن به صورتی صحیح از آن متن میسر نیست و در همین راستاست که فن تصحیح متن اهمیتی درخور می‌یابد. تصحیح متن، مقدمه‌ای برای هرگونه ارزیابی انتقادی نیز محسوب می‌شود (دیجز، ۱۳۶۶: ۵۰۲). تصحیح متن در واقع تلاشی است در جهت دست‌یافتن به صورت اصلی متن، به‌گونه‌ای که متن مورد نظر از جهت معنا و صورت، عین همان متنی باشد که مؤلف عرضه کرده است یا دست‌کم تفاوت فاحشی با آن متن نداشته باشد (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۱۴). البته باید به این مهم توجه داشت که اگر کهن‌ترین نسخه‌های موجود با زمان حیات مؤلف متن فاصله‌ی بسیاری داشته باشد، آن‌گاه «هدف از تصحیح متن، بازسازی نسخه‌ای است که تمام نسخ موجود از آن منشعب شده‌اند» (امیدسالار، ۱۳۹۶: ۱۲). به هر ترتیب، مصحح متن موظف است که اشتباهات و تصرفات راه‌یافته به یک متن را از آن بزدايد (عمادی حائری، ۱۳۸۷: ۴) و در این مسیر از اصول و قواعد علمی شناخته‌شده بهره بگیرد. در حقیقت، مصحح متن در قامت امانت‌داری کاردان ظاهر می‌شود که با جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل نسخه‌های بازمانده از یک متن، در نهایت صورتی پاکیزه و قابل قبول از آن متن را ارائه می‌دهد. روش تصحیح متن، روشی علمی است که مانع از تأثیر سلايق، علايق و آراء شخصی مصحح بر کار او می‌شود و در ضمن گردوغبار تقصیر و قصور کاتبان نسخ را از ساحت متن کهن پاک می‌کند.

نظر به اهمیت مقوله تصحیح متن و تنوع مبانی و روش‌های آن، بسیاری از صاحب‌نظران حوزه ادبیات کوشیده‌اند ضمن یادآوری روش‌های درست و نادرست تصحیح متن، جزئیات فن تصحیح را تبیین و در نهایت، شکل آرمانی مورد نظر خود را در این خصوص بازگو کنند. افزون بر این، داوری‌های صاحب‌نظران درباره‌ی تصحیحات موجود نیز گویای تصور آن‌ها از بایدها و نبایدهای روش تصحیح است.

استاد عبدالحسین زرین کوب (از این پس زرین کوب) نیز از این جهت مستثنی نیست و برخی از جستارها، یادداشت‌ها و سخنرانی‌های او منحصرأً به موضوع تصحیح اختصاص یافته است. نگارنده در این مقاله می‌کوشد پس

از ذکر مختصری از ماهیت تصحیح، روش‌های مرسوم آن و تاریخ تصحیح متن در ایران، مجموعه نظرات زرین‌کوب در این حوزه را صورت‌بندی کند.

۲. پیشینه پژوهش:

بررسی آثار زرین‌کوب در حوزه تاریخ و ادبیات و تصوف از نظر محققان دور نمانده است و برخی از ایشان به معرفی و بررسی این آثار توجه نشان داده‌اند. حسین خدیوجم (۱۳۷۶) در مقاله‌ای با عنوان «حافظ‌شناسی زرین‌کوب» کوشیده است با تأکید بر کتاب *از کوچۀ زندان*، مجموعه‌ای از آراء زرین‌کوب در باب سبک و اندیشه و هنر حافظ را مورد بحث قرار دهد. خدیوجم همچنین زرین‌کوب را محقق و مورخی «نکته‌یاب و امانت‌دار» توصیف می‌کند که از آغاز جوانی «لباس اهل تحقیق به تن کرد» و تحقیقات او «موردپسند محققان داخلی و برخی از خاورشناسان» قرار گرفته است.

روزبه زرین‌کوب (۱۳۷۶) در جستار «یادگاری که در این گنبد دوآر بماند» کارنامه تاریخ‌پژوهی عبدالحسین زرین‌کوب را بررسی کرده و او را «نمونه درخشان و تابناک نسلی از بزرگان علم و ادب و فرهنگ این مرزوبوم» دانسته که عمری را صرف «دانش‌اندوزی و معرفت‌یابی» کرده است. در این مقاله، مجموعه آثار زرین‌کوب درباره تاریخ ایران و اسلام و همچنین نوشته‌های او پیرامون کلیات تاریخ‌نگاری معرفی شده است.

سیاوش شوهانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «دو تأویل از یک تمدن: بازخوانی دو اثر عبدالحسین زرین‌کوب؛ دو قرن سکوت و کارنامه اسلام» به تضادها و تناقض‌های این دو کتاب زرین‌کوب توجه نشان داده که در نوع روایت‌هایی که از وقایع صدر اسلام به دست می‌دهند، متفاوت‌اند. به‌زعم شوهانی این تفاوت‌ها ناشی از گونه‌گونی گفتمان‌های رایج در دو دهه سی و پنجاه شمسی است.

ابوالحسن امین مقدسی و داوود شیروانی (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی تطبیقی آراء نقدی احسان عباس و عبدالحسین زرین‌کوب در نگاه به سنت و تجدد ادبی» به اشتراکات و اختلافات زرین‌کوب و احسان عباس در نوع نگاه به سنت و تجدد پرداخته‌اند. به‌زعم نویسندگان مقاله موردنظر، زرین‌کوب و احسان عباس در مواجهه با سنت و تجدد، از افراط و تفریط پرهیز کرده و راه تعادل را در پیش گرفته‌اند. تفاوت زرین‌کوب و احسان عباس نیز در این نکته بود که زرین‌کوب به نقد نظری توجه بیشتری داشت و همچنین در مقایسه با احسان عباس، گرایش قابل‌توجهی به مقوله سنت نشان می‌داد.

قباد منصوربخت و مهدی رفعتی‌پناه (۱۳۹۴) به «نسبت عمل و نظر در تاریخ‌پژوهی زرین‌کوب» توجه نشان داده‌اند. در نظر نویسندگان این مقاله، زرین‌کوب، هم دغدغه گذشته تاریخی جامعه ایران را داشت و هم «نگران شرایط جدید و کشمکش هویتی ایران با تمدن جدید» بود.

فریده علوی و سهیلا سعیدی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی پاراتوبی در گفتمان ادبی عبدالحسین زرین‌کوب و لویی ماسینیون: روایت حلاج از شعله طور تا مصائب حلاج» به این مسئله پرداخته‌اند که دو کتاب *شعله طور* و *مصائب حلاج* در واقع گفتمان‌هایی هستند که زرین‌کوب و ماسینیون در ضمن آن، جهان‌بینی‌های تازه‌ای را در مصاف با ایدئولوژی‌های غالب بر جامعه پدید آورده‌اند.

در جستارها و مقالاتی که تاکنون به بحث درباره آثار و اندیشه‌های زرین‌کوب اختصاص یافته، نوع نگاه زرین‌کوب به مقوله تصحیح متن مطالعه نشده است.

۳. ماهیت تصحیح متن:

شناخت ابعاد تمدن و فرهنگ یک جامعه بدون اطلاع از میراث تاریخی مادی و معنوی آن میسر نیست. متون علمی و ادبی نیز در زمره همین میراث‌اند که از لابه‌لای آن می‌توان نگرش‌ها و بینش‌های مردمان یک جامعه را بازیافت و سیر تحول و تطور اندیشه‌های موجود در آن را درک کرد. مرور زمان و شرایط و اقتضات تاریخی، گهگاه دست‌یابی به این متون را دشوار ساخته است و در همین راستاست که محققان متن می‌کوشند با کاربری روش‌های علمی، این

میراث ارجمند را احیاء کنند و در دسترس عامه مردم قرار دهند. محققان برای دست‌یابی به این مهم از مجموعه‌اصول و قواعدی پیروی می‌کنند که ذیل عنوان کلی «روش انتقادی تصحیح متن» قرار می‌گیرد. نخستین گام در جهت تصحیح متن، گردآوری نسخه‌های موجود از متن و بعد از آن، اولویت‌گذاری و دسته‌بندی نسخه‌هاست (منجد، ۱۳۷۸: ۱۰۳). مصحح برای بررسی یک نسخه از اصل آن، یا از عکس آن یا میکروفیلم آن بهره می‌جوید و سه عنصر اصلی در تعیین ارزش نسخه عبارت‌اند از: قدمت، صحت و اصالت، و استقلال آن نسخه (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۱۸). در دسته‌بندی نسخه‌های باقی‌مانده از یک متن، قدمت نسخه اهمیت فراوانی می‌یابد و برخی برآن‌اند که کهن‌ترین نسخه موجود (اقدام نسخ) اساس کار تصحیح است (ضیف، ۱۳۷۶: ۲۱۱). در این خصوص باید توجه داشت که صحت یک نسخه به عامل دیگری نیز بستگی دارد و آن هم دقت و اهلیت کاتب است: «چه‌بسا از یک اثر تألیف‌شده در قرن پنجم، نسخه‌ای در قرن ششم به دست کاتبی کم‌سواد و لاابالی از روی نسخه‌ای که با چهار واسطه به اصل می‌رسد استنساخ شده باشد که آن را آکنده از غلط و سقط و بدخوانی و تصحیف بیابیم. در مقابل نسخه‌ای از همان کتاب، در قرن هشتم به دست کاتبی امین و دقیق از روی نسخه صحیح و مضبوطی که مستقیماً از روی نسخه اصل نوشته شده، کتابت و یک بار هم به‌دقت با اساسش مقابله شده باشد» (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۱۹-۱۸).

۴. روش‌های تصحیح:

برای تصحیح متن، چهار روش متداول وجود دارد که عبارت‌اند از: تصحیح بر مبنای نسخه اساس، تصحیح التقاطی، تصحیح به روش بینابین و تصحیح قیاسی.

۱-۴ تصحیح بر مبنای نسخه اساس:

در این گونه از تصحیح، مصحح درست‌ترین نسخه موجود را اساس کار خود قرار داده و ضبط آن را بر ضبط باقی نسخه‌ها ترجیح می‌دهد؛ مگر اینکه ضبط نسخه اساس به شکل روشن و مستدلی نادرست تشخیص داده شود. برخی از صاحب‌نظران، تصحیح متن بر اساس نسخه اساس را کارآمدترین روش تصحیح می‌دانند (همان: ۲۹-۳۰).

۲-۴ تصحیح التقاطی:

در صورتی که برتری یک نسخه نسبت به دیگر نسخ احراز نشود، مصحح از روش التقاطی استفاده می‌کند. در این روش مصحح با اتکا به دانش خود از بین ضبط‌های موجود در نسخه‌ها انتخاب می‌کند و ضبطی را بر ضبط دیگر ترجیح می‌دهد. در این چشم‌انداز، تکثیر نسخه‌های موجود اهمیت فراوانی دارد؛ چراکه «امکان انتخاب احسن بیشتر می‌شود» (بینش، ۱۳۵۴: ۴۲۱). افزون بر این، استفاده از نسخه‌های متعدد و توجه به ضبط‌های گوناگون در نسخه‌ها، مانع از این می‌شود که مصحح، سلاقی و علایق شخصی را دخیل در امر تصحیح کند (مایل هروی، ۱۳۷۹: ۳۸۱).

۳-۴ روش بینابین:

در حقیقت ترکیبی از روش تصحیح بر مبنای نسخه اساس و روش التقاطی است. در این روش، نسخه اساس برتری تام و تمامی نسبت به سایر نسخه‌ها ندارد اما بنا بر دلایلی ارجحیت پیدا می‌کند. در این صورت با نسخه «اساس نسبی» سروکار داریم که چشم‌پوشی از ضبط آن و جایگزین کردن ضبط دیگر نسخه‌های موجود (بنا بر تشخیص مصحح) میسر است. در این روش تصحیح، دانش و اجتهاد مصحح از یک‌سو و همچنین دقت و احتیاط او از سوی دیگر اهمیت قابل توجهی دارد (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۳۱).

۴-۴ تصحیح قیاسی:

اگر نسخه موجود از یک متن، مشحون از غلط و سقط باشد، آن‌گاه مصحح ناچار است که روش تصحیح قیاسی را به کار گیرد. در این گونه از تصحیح، در حقیقت، دانش و اهلیت مصحح است که اغتشاش و خدشه‌های موجود در نسخه را جبران می‌کند. چنانچه مصحح، ضبط همه نسخه‌های باقی‌مانده از متن را نادرست تشخیص دهد، آن‌گاه «بر پایه‌ی

شناختی که از الفاظ، مفاهیم، متون هم‌خانواده، زمان و مکان تألیف متن و... به دست آورده» ضبط صحیح را پیشنهاد می‌کند (عمادی حائری، ۱۳۸۷: ۷).

۵. تصحیح متن در ایران:

تصحیح متن در غرب دارای سابقه‌ای طولانی است (نک: امیدسالار، ۱۳۸۵: ۷-۱۶) و در ایران نیز اهمیت این مسئله از نظر گذشتگان ما دور نمانده بود. در برخی از متون متقدم فارسی و عربی به اهمیت مقوله تصحیح اشاراتی رفته است. البته باید توجه داشت که قدما تصحیح متن را به‌مثابه یک فن در نظر نمی‌گرفتند و طبیعتاً برای تصحیح از روش‌ها و اسلوب‌های رایج در روزگار ما استفاده نمی‌کردند (مایل هروی، ۱۳۷۹: ۳۸۵). از جمله معیارهای تصحیح متن در گذشته، ارجحیت تفصیل نسخه بر اصالت متن، توجه به روانی و زیبایی ضبط به‌جای تأکید بر صورت اصیل آن و همچنین بی‌توجهی به نسخه‌بدل‌ها بود (آزادیان، ۱۳۸۳: ۱۵۲). حدیقه سنایی تدوین محمدعلی الرفا، شاهنامه بایسنقری، مثنوی و حدیقه عبداللطیف عباسی و... از نمونه‌های تصحیح متن در دوره‌های پیشین است (همان). ورود صنعت چاپ به ایران و رواج چاپ سنگی تأثیری بر کیفیت تصحیح متون نهاد و آنچه کماکان اهمیت داشت، صرفاً زیبایی و نقش‌ونگار متون چاپ‌شده بود؛ نه اصالت و صحت آن‌ها.

محمد قزوینی را نخستین مصحح ایرانی دانسته‌اند که با استفاده از اسلوب‌های رایج در غرب به تصحیح متون همت گماشت. قزوینی در حقیقت این شیوه‌ی تصحیح متن را به‌جهت اقامت در غرب و از محققانی نظیر ادوارد براون آموخته بود (مایل هروی، ۱۳۷۹: ۳۹۴). لازم به یادآوری است که برخی از صاحب‌نظران در این مسئله که قزوینی در فن تصحیح متن علی‌الاطلاق متأثر از مستشرقان بود، تشکیک کرده‌اند (نک: امیدسالار، ۱۳۸۵).

به هر حال روشن است که مهارت و دقت قزوینی و حتی وسواس بی‌حد او در امر تصحیح سبب شده که مجموعه تصحیحات او در زمره بهترین و درست‌ترین نمونه‌های تصحیح متن در ایران قرار بگیرند. افزون بر قزوینی، چهره‌هایی نظیر بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی، سعید نفیسی، مجتبی مینوی و... نیز بسیاری از متون ادبی و علمی کهن را تصحیح و صورت‌هایی منقح از این متون را ارائه کردند. زرین‌کوب علی‌رغم قلم‌فرسایی‌های بسیار در حوزه‌های ادبیات، ترجمه، تاریخ و...، متنی را تصحیح نکرد؛ اما در برخی از جستارهای او مسئله تصحیح متن و اسلوب‌های درست آن مطمح‌نظر قرار گرفته است. طبیعتاً تدقیق در این جستارها و تلاش برای صورت‌بندی آن‌ها، به روشن شدن اهمیت و ماهیت تصحیح در نظر زرین‌کوب مدد می‌رساند و به این ترتیب می‌توان وجهی دیده‌نشده از حیات علمی او را هویدا ساخت.

۶. زندگی‌نامه زرین‌کوب:

زرین‌کوب در بیست‌وهفتم اسفندماه ۱۳۰۱ شمسی در بروجرد چشم به جهان گشود. وی در پنج‌سالگی به مکتب رفت و با «سوره‌های کوتاه و اواخر قرآن کریم» آشنا شد و یک سال بعد از آن در یک مدرسه غیردولتی به نام «دبستان» با خط و حساب آشنایی یافت (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۱۲). تحصیلات متوسطه زرین‌کوب در بروجرد آغاز شد، اما در تهران ادامه پیدا کرد. در بروجرد، هم‌زمان به مدرسه طلاب نیز می‌رفت و صرف و نحو و بلاغت و پاره‌ای از سطوح فقه را مطالعه می‌کرد. وی پس از تکمیل تحصیلات متوسطه، تدریس در مدارس خرم‌آباد و بروجرد را شروع کرد. در سال ۱۳۲۳ اولین کتاب زرین‌کوب با عنوان «فلسفه شعر» در بروجرد انتشار یافت. اهمیت این کتاب علی‌رغم حجم اندکش به‌اندازه‌ای بود که پرویز ناتل خانلری در مجله سخن در چند صفحه به بررسی آن پرداخت (افشار، ۱۳۷۷: ۸). زرین‌کوب در سال ۱۳۲۴ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و از همان دوره به تدریس در مدارس متوسطه تهران پرداخت. فعالیت‌های مطبوعاتی او از مجله جهان نو آغاز شد و پنج سال هم سردبیر روزنامه مهرگان بود. او در کتابخانه‌های مجلس، ملی و ملک نیز به بررسی نسخه‌های خطی می‌پرداخت (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۱۲). او پس از طی دوره لیسانس، بلافاصله وارد مقطع دکتری شد و در این دوره «بی‌گمان، فروزانفر معلم بنیادی و عمده» او بود (افشار، ۱۳۷۷: ۱۰).

رساله دکتری زرین کوب نیز با عنوان «نقدالشعر» با راهنمایی فروزانفر تحریر شد. زرین کوب در سال ۱۳۳۵ برای تدریس به دانشکده الهیات دعوت شد و تدریس تاریخ کلام و فرقه‌های اسلامی را در دانشگاه آغاز کرد. در همین دوره با سید حسن تقی‌زاده آشنا شد و به تدوین و تکمیل مقالات مربوط به هند در دایره‌المعارف اسلام همت گماشت. بعد از آن، به دعوت تقی‌زاده و با سمت مشاور عالی، زرین کوب در کتابخانه مجلس سنا مشغول به کار شد. وی به عراق، هند و پاکستان سفر کرد و در مجامع علمی این کشورها حضور یافت. از پاییز ۱۳۳۵ تا تابستان ۱۳۳۶ در غیاب احسان یارشاطر (به خاطر حضور او در آمریکا) مدیریت امور اجرایی بنگاه ترجمه و نشر کتاب با زرین کوب بود. همچنین همراه با مجتبی مینوی در جهت ایجاد مؤسسه لغت‌نویسی (وابسته به فرانکلین)، مؤسسه‌های مربوطه در اروپا و آمریکا را از نزدیک مشاهده کرد. او به مدت دو سال (۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹) در دانشگاه‌های پرینستون و کالیفرنیا به تدریس تاریخ و ادبیات و تصوف اشتغال داشت. پس از بازگشت به ایران، زرین کوب از دانشکده الهیات به دانشکده ادبیات منتقل شد و در گروه‌های آموزشی ادبیات و تاریخ به تدریس پرداخت. وی در دهه پنجاه دو بار دچار عارضه قلبی شد و در سال ۱۳۵۷ برای عمل جراحی به آمریکا رفت. او در اوایل دهه شصت (به مدت دو سال) در پاریس اقامت داشت و در همین ایام مطالعات خود را دربارهٔ مثنوی مولانا سامان داد (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۱۳). زرین کوب در سال ۱۳۶۳ به ایران بازگشت و تدریس در دوره دکتری ادبیات را از سر گرفت. وی از سال ۱۳۷۵ به عضویت در شورای عالی علمی مرکز دایره‌المعارف اسلامی درآمد و در سال ۱۳۷۷ به همت انجمن مفاخر و آثار فرهنگی مراسم تجلیل از او برگزار شد. زرین کوب در بیست و چهارم شهریور ۱۳۷۸ عالم خاکی را وداع گفت. از جمله آثار گران سنگ او می‌توان به عناوینی نظیر *دو قرن سکوت*، *بامداد اسلام*، *شعله‌ طور*، *از کوچه زندان*، *ارسطو و فن شعر* و... اشاره کرد (برای کتاب‌شناسی زرین کوب نک: مجیدی، ۱۳۷۶).

۷. اهمیت و ماهیت تصحیح متن در نظر زرین کوب:

باید توجه داشت که زرین کوب گهگاه به جای عبارت «تصحیح متن» از عبارت «نقد متن» استفاده می‌کند اما در نهایت مقصود او همان تصحیح متن است. در نظر او تصحیح متن «مهم‌ترین و دقیق‌ترین و به یک تعبیر علمی‌ترین و اصیل‌ترین اقسام نقد ادبی است» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۴۲) و اگر «محققی بخواهد آراء و عقایدش در باب آثار ادبی، بی‌اعتبار و پادروها نباشد باید آن عقاید و آراء را متکی بر متون صحیح معتبر و اصیل بنماید و الا تتبع و تحقیق و نقد و بحث او به منزله حرکت و سعی کسی است که بر روی شن و ماسه نرم و لیز و لغزان قدم برمی‌دارد» (همان: ۲۶). به این ترتیب «نقد متون اساس هر نوع دیگر از انواع نقادی است و در حقیقت خشت اول و رکن عمده نقد ادبی است چون بی‌آن هیچ نکته‌ای را نمی‌توان از آثار قدما استنباط کرد و هرگونه نقد تاریخی یا ذوقی و یا لغوی که در باب آثار نویسندگان و شاعران بشود تا بر متون صحیح معتبر متکی نباشد سندیت و اعتبار ندارد» (زرین کوب، ۱۳۶۱: ۹۴). از آنجا که زرین کوب تصحیح متن را به مثابه نقد متن در نظر می‌گیرد، مقصود او از منتقد متن نیز مصحح متن است. به زعم او مصحح موظف است که «از طریق علم ببیند و تحقیق کند که صورت و شکل اصلی و واقعی هر کلمه و هر عبارت در کتاب چه بوده است نه اینکه فقط صورتی را که صحیح و قابل قبول است پیدا کند» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۲۸). در نظر زرین کوب، هدف از تصحیح متن این است که مصححان «از روی نسخ خطی موجود نسخه اصلی یا قریب به اصل یک اثر را احیاء و مرتب و مدون کنند و آن را به صورتی عرضه دارند که خواننده اهل تحقیق بتواند یقین و اطمینان حاصل کند که اگر اصل یک اثر را در دست ندارد نسخه‌ای از آن را دارد که به صورت اصلی و شکلی که مصنف و مؤلف اصل نوشته است به نهایت درجه نزدیک است» (همان: ۲۷).

۸. زرین کوب و تصحیح قیاسی:

باید به این مهم توجه داشت که در آراء زرین کوب دربارهٔ تصحیح متن، مقولهٔ تصحیح قیاسی بدل به موضوع پیچیده‌ای شده است. به نظر می‌رسد که این پیچیدگی ناشی از دو مقصود متفاوت زرین کوب از به کار بردن عبارت تصحیح قیاسی

باشد. منظور او از تصحیح قیاسی در برخی از عبارات، تصحیح ذوقی و مبتنی بر اجتهادات غیرعالمانه است که طبیعتاً نکوهدیده به شمار می‌رود؛ مثلاً در جایی اشاره دارد که: «آنچه نزد محققان، مسلم است این است که در نقد متون باید قطعاً و حتماً از تصحیحات قیاسی و اصلاحات استحسانی جز به گاه ضرورت خودداری کرد و نباید توقع داشت که اجتهادات شخصی و احتمالات فردی و ذوقی منتقد را همه خوانندگان کتاب با چشم بسته در حکم وحی منزل بشمارند» (همان: ۴۲). همچنین گوشزد می‌کند که اگر در امر تصحیح، مصحح فاقد دانش و مهارت کافی باشد اما ضبط‌های موجود را نادرست تشخیص داده و ضبط دیگری را از روی ذوق و سلیقه ارائه کند، آن‌گاه «بسیاری از تصحیحات قیاسی مضحک و غلط و در حقیقت تصحیفات جلوه می‌کند و مخصوصاً در این مرحله کسانی که زیاده به حدت ذهن و قوت قریحه خود مغرور و متکی هستند بیشتر گرفتار خبط و خطا می‌شوند و غالباً اشتباه‌های مضحک می‌کنند» (همان: ۳۵). همان‌گونه که در این جستار یادآور شدیم، گهگاه همه نسخه‌های موجود از یک متن دچار اغتشاش و کاستی‌اند و در این صورت از به‌کاربردن تصحیح قیاسی چاره‌ای نیست. زرین‌کوب نیز به این مورد اشاره دارد: «مواردی هم هست که نسخ موجود تمام جدید و نامضبوط یا مغلوط و مغشوش است و محقق منتقد باید از بین این نسخ مغشوش نامضبوط نسخه‌ای را ترتیب و تدوین نماید که آن را بتوان تا حد امکان عین و یا قریب به نسخه‌ای دانست که ممکن بود از اصل کتاب به دست آید» (همان: ۲۷).

همچنین در جایی اشاره می‌کند که اگر مصحح «به عبارتی برخورد می‌کند که از جهت وزن و قافیه معیوب است و یا لفظی می‌بیند که از لحاظ قواعد دستوری صحیح نیست و یا با استعمال عصر مؤلف تفاوت دارد با کمال دقت و وسواس درصدد اصلاح برآید... و با کمک کتب لغت و الفاظ مترداف و با مراجعه به استعمالات عصر و با دقت در طرز تداول لغت و عبارت و معنی مزبور در آثار مشابه معاصر یا متقدم و متأخر، وجه صحیح عبارت یا لغت مشکوک مجهول را پیدا و معلوم نماید» (همان: ۳۴).

زرین‌کوب برای استفاده از روش قیاسی در تصحیح متن، «دقت و احتیاط» و همچنین برخورداری از «ذوق نقادی و قریحه نکته‌سنجی» را ضروری می‌داند.

۹. انواع تحریفات متن در نظر زرین‌کوب:

«تحریف‌ها» و «ناروایی‌ها»ی متون کهن از جمله مواردی محسوب می‌شوند که زرین‌کوب در بحث تصحیح متن، توجه بسیاری به آن‌ها نشان داده است. زرین‌کوب دو گونه‌ی کلی از تحریفات متن را برمی‌شمارد که هریک از آن‌ها دارای زیرمجموعه‌هایی هستند که به‌ترتیب در ذیل می‌آید.

۹-۱ اسقاطات یا الحاقات:

شامل آن دسته از تحریفات متن است که کاتب در اغلب موارد «از روی قصد و غرض» اعمال می‌کند. این تحریفات به دو دلیل صورت می‌پذیرد:

۹-۱-۱ تعصبات مذهبی:

اسقاطات و الحاقات متن گاه به‌خاطر گرایش‌ها و مواضع مذهبی کاتب است که سبب می‌شود صورت اصیل نسخه توسط او تغییر پیدا کند. به دیگر بیان، برخی از کاتبان، کلمه یا عبارت موجود در یک نسخه را که با گرایش‌های مذهبی آنان در تعارض است به صورتی تبدیل می‌کنند که مطابق با مواضع مذهبی آنان باشد. زرین‌کوب در این باره می‌گوید: «چه بسیار که کاتب شیعی هنگام رونویسی از کلیات سعدی و خمسه نظامی، اشعار و عباراتی را که در آن‌ها مدح اصحاب پیغمبر بوده است حذف کرده و چه بسا که اشعار و ابیاتی سست و بی‌مایه هم در مدح ائمه شیعه بدان‌ها الحاق نموده است» (همان: ۳۶).

۹-۱-۲ دیگر تعصبات:

اعمال تغییر در عبارات و کلمات متن صرفاً به جهت رویکردهای مذهبی نیست. در طول تاریخ، گهگاه تعصبات قومی و نژادی و زبانی و البته در نظر گرفتن مصالح کاملاً شخصی سبب شده است که «کاتبی به قصد و عمد در نسخه کتابی تصرف کند و بر آن چیزهایی الحاق کند یا چیزهایی از آن اسقاط نماید» (همان: ۳۷).

۹-۲ تغییرات و تصحیفات:

این دسته از دگرگونی‌های متن، سهو کاتب است و مغرضانه نیست. به نظر زرین کوب، این تغییرات به دلیل «بی سوادی» یا «بی دقتی» کاتب صورت می‌گیرد. توجه به این دسته از تغییرات متن از آنجا ضرورت پیدا می‌کند که در نهایت روشن می‌شود «کاتب اهل غرض است یا نیست و دقت و مبالات دارد یا ندارد» (همان: ۳۶).

۹-۲-۱ تصحیف:

به جهت مشابهت اشکال حروف در خط فارسی و همچنین سهولت جابه‌جایی نقطه‌ها در متن، تصحیف رخ می‌دهد. زرین کوب بر آن است که امکان تصحیف در حدیث و قرآن نیز وجود دارد، بنابراین «متون ادبی و تاریخی البته از آن برکنار نمی‌مانند و بیهوده نیست که در کتب ادب و تاریخ کمتر صفحه‌ای هست که تصحیفی در کلمات رخ نداده باشد» (همان: ۳۸). زرین کوب تصحیف را «از آفات و بلیات کتابت» می‌داند که بر مصححان لازم است به آن توجه داشته باشند. از نمونه اسباب تصحیف در نظر زرین کوب می‌توان به «قلب و ابدال حروف» و «حذف هجای مکرر در کلمات» اشاره کرد (همان: ۳۹).

۹-۲-۲ بی سوادی کاتب:

گهگاه در املا کلمه تغییراتی به دست کاتب صورت می‌گیرد یا کلمه غریب یا دشوار به کلمه ساده‌تری بدل می‌گردد. این تغییرات به جهت فقدان دانش کافی کاتب است (همان: ۳۹).

۹-۲-۳ خطای حواس:

گهگاه در حین کتابت نسخه، از آنجا که کاتب ناگزیر بود هم به متنی که از روی آن می‌نویسد توجه کند و هم به متنی که خود می‌نویسد توجه داشته باشد، خطاهایی به وجود می‌آید. در این صورت امکان داشت که کاتب «بعضی حروف را مکرر بنویسد یا بعضی کلمات و حروف را از قلم بیندازد و یا حتی عبارت یا سطر را به کلی فراموش کند» (همان: ۴۰).

۹-۲-۴ اغلاط املائی:

به زعم زرین کوب اغلب کاتبان به این مسئله دچار شده‌اند؛ مثلاً «کلمات را نابه‌جا متصل یا منفصل نوشته‌اند» و به این ترتیب موجبات ابهام و ایهام متن را فراهم آورده‌اند. همچنین در حین کتابت، کلمه‌ای را درج کرده‌اند که صرفاً از خاطر آن‌ها گذشته بود و در متن وجود نداشت (همان: ۴۱).

۹-۲-۵ جابه‌جایی یا حذف عبارات و اشعار:

برخی کاتبان به جای آنکه شعر یا عبارتی را در همان جایی درج کنند که در متن آمده بود، به جهت فراموشی، در جای دیگری آورده‌اند. در برخی از موارد نیز کاتب حواشی نسخه را که خواننده نسخه نوشته بود، جزئی از متن اصلی تصور کرده و حاشیه را به متن افزوده است. همچنین «کلمات و عبارات و حتی سطوری را که ابتدا آن‌ها با هم شباهت داشته و یکی بوده است» از روی سهو حذف کرده است (همان).

۱۰. زرین کوب و داوری درباره روش تصحیح مستشرقان:

زرین کوب در مقاله‌ای با عنوان «شیوه نقد و تصحیح متون» به داوری پیرامون اسلوب‌های تصحیح متن که در غرب رایج است، می‌پردازد. او در پرده کنایه و طعنه، روش‌های تصحیح رایج در غرب را بر بعضی از روش‌های نادرست

مصححان ایرانی ترجیح می‌دهد و در این باره می‌نویسد: «اگر این اصرار و اهتمام [در میان مستشرقان برای تصحیح متون فارسی] از شائبه غرض و مرض به کلی عاری است، آخر چه سبب دارد که در نقد متون گذشته این قدر دقت و وسواس ادعائی به خرج می‌دهند و از هرگونه تصرف و تصحیح قیاسی در آن متون خودداری و جلوگیری می‌کنند؟» (زرین کوب، ۱۳۳۷: ۱۰۶). همچنین «این همه زحمت و مرارت را محقق فرنگی برای آن در تصحیح و نقد متون تحمل می‌کند که گمان می‌کند این کار قاعده‌ای و ترتیبی دیگر ندارد... و برای همین است که نقد و تصحیح یک کتاب برای او گاه بیست سی سال مدت می‌گیرد» (همان: ۱۰۸). در مقابل این دقت و اهتمام رایج در غرب، زرین کوب سخن از روش کار برخی از مصححان ایرانی می‌گوید و با به‌کاربردن عباراتی نظیر «رسم و طریقه طبع و نشر کتاب‌فروشی‌های بازار بین‌الحرمین» سخت به این روش‌های نادرست می‌تازد (همان: ۱۰۵). در نظر زرین کوب، تصحیح متن در غرب دارای لوازم و قواعد مشخصی است که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌شود.

۱-۱۰ پرهیز از تصرفات عمدی و تصحیح قیاسی (ذوقی):

به‌زعم زرین کوب، تأکید بر «حفظ و ضبط عین متون» و «پرهیز از تصرفات عمدی و قیاسی» یکی از اصول اساسی تصحیح متن در نزد مستشرقان است. در حقیقت، مستشرقان «خوش‌ذوقی» خود را در تصحیح دخیل نمی‌کنند و می‌کوشند تا در نهایت صورت اصیل متن را ارائه کنند؛ نه صورت دل‌خواه خود را (همان: ۱۰۶).

۲-۱۰ اهتمام جدی برای جست‌وجوی نسخه‌ها:

یافتن نسخه‌های صحیح و معتبر یک متن نیازمند تلاش بسیاری است. به همین جهت است که مصحح فرنگی «فهرست‌های کتابخانه‌های جهان را از روی دقت واری می‌کند» و حتی «برای به‌دست‌آوردن نسخه‌ای یا اطلاع از یک نسخه به شهرها و کشورهای دور سفر می‌کند» (همان: ۱۰۷). اگر هم موفق نشود به تمام نسخه‌های یک متن دست پیدا کند، «از کهنه‌ترین و معتبرترین آن‌ها آن قدر که ممکن هست اطلاعات درست، دقیق و موثق به دست می‌آورد...» (همان). البته گهگاه ممکن است که مصحح پس از شروع تصحیح یک متن از وجود نسخه‌ای معتبر اطلاع یابد که در دسترس او نیست. در این صورت او کار تصحیح را متوقف می‌کند و تلاش می‌کند تا آن نسخه معتبر یا رونویسی از آن را فراهم آورد (همان).

۳-۱۰ تفحص در منابع فرعی:

در تصحیح متن صرفاً نمی‌توان به نسخه یا نسخه‌های باقی‌مانده از یک متن اکتفا کرد و مراجعه به منابع فرعی نیز ضرورت دارد. این منابع عبارت‌اند از: تذکره‌ها، مجموعه‌ها، سینه‌ها و رساله‌ها. به این ترتیب «اگر اجزایی از آن کتاب [متن] در جایی دیگر نقل و انتخاب» شده باشد نیز مصحح بدان دست پیدا می‌کند و در امر تصحیح از آن بهره می‌برد (همان).

۴-۱۰ طبقه‌بندی و مقابله نسخه‌ها:

در این مرحله «مطالعه مقدماتی اما دقیق» نسخه‌ها اهمیت دارد؛ به گونه‌ای که بررسی رسم‌الخط، تاریخ کتابت و نام‌نشان کاتب نسخه به دقت انجام می‌شود. «خط و کاغذ و صحافی» نسخه نیز تحلیل می‌شود. پس از یادداشت اختلافات کلی نسخه‌ها، رفته‌رفته صحت و سقم همه نسخه‌ها روشن شده و کار مقابله نسخه‌هایی که «از حیث قدمت و صحت و دقت اعتبار بیشتری دارند» آغاز می‌شود؛ نسخه‌ای که «قدیم‌تر یا کامل‌تر است» به عنوان نسخه اصل قرار گرفته و اختلافات سایر نسخه‌ها با نسخه اصل در ضبط، گزارش می‌شود (همان).

۱۱. زرین کوب و تصحیحات بدیع‌الزمان فروزانفر:

همچنان که افشار می‌نویسد، زرین کوب چنان شیفته فروزانفر بود که «پس از درگذشت فروزانفر قلم برگرفت و در رثای او مقاله نوشت. درباره استادان و برکشیدگان دیگرش چنان کرد» (افشار، ۱۳۸۳: ۹۵۰).

زرین کوب در جستاری با عنوان «از زندگی استاد فروزانفر» پس از ذکر مختصری از زندگی‌نامه فروزانفر، او را «از پیشروان تحقیقات ادبی در عصر جدید ایران» می‌شمارد که «مخصوصاً در نقد متون سلیقه علمی قابل‌اعتنایی داشت» (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۳۸۹). لازم به یادآوری است که مقصود زرین کوب از نقد متون همان تصحیح متون است. همچنین فروزانفر به‌نظر زرین کوب «در تشخیص و ارائه معایب و لطایف اشعار قدما جرئت و صراحتش از آنچه در بین بیشتر هم‌عصرانش رواج داشت خیلی بیشتر بود» (همان). زرین کوب در جای دیگری اشاره دارد که کتاب سخن و سخنوران فروزانفر تأثیر فوق‌العاده‌ای بر او نهاد (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۱۲). تصحیحات فروزانفر نیز در نظر زرین کوب ارزش بسیاری داشت و در جایی می‌نویسد: «در نقد متون و آنچه امروز در ایران تصحیح می‌خوانند هنوز شیوه کار درست را باید از کارهای او [فروزانفر] آموخت. معارف بهاء ولد، معارف سید محقق ترمذی، کلیات شمس تبریزی یا دیوان کبیر، فیه‌ما‌فیه مولانا جلال‌الدین، که به‌وسیله وی طبع و تصحیح شد از حیث دقت در ضبط و اصابت در تصحیح قیاسی در شمار دقیق‌ترین نمونه‌های نقد متون به شمار می‌آید» (زرین کوب، ۱۳۵۱: ۹). زرین کوب البته رساله زندگانی مولانا جلال‌الدین (تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۱۵) از بدیع‌الزمان فروزانفر را از این جهت که در این رساله «مثنوی مولانا بر مبنای چاپ غیرانتقادی علاء‌الدوله، و کلیات شمس بر مبنای نسخه مغشوش چاپ هند مورداستفاده قرار گرفته بود» (زرین کوب، ۱۳۹۰: ۱۰۹) تلویحاً موردنقد قرار می‌دهد. همچنین به‌نظر زرین کوب، کلیات شمس نیز نهایتاً «از ابیات و غزل‌های الحاقی پیراسته نشد» (همان: ۱۱۱).

۱۲. نتیجه‌گیری:

نظر به اهمیت مقوله تصحیح متن، برخی از جستارهای زرین کوب به همین موضوع اختصاص پیدا کرده است که با مراجعه بدان‌ها می‌توان به اهمیت و اصول این فن در نظر او پی برد. زرین کوب گهگاه به‌جای عبارت تصحیح متن، از نقد متن استفاده می‌کند و آن را مهم‌ترین و دقیق‌ترین گونه در نقد ادبی می‌داند. درباره روش‌های تصحیح نیز گفتنی است که منظور زرین کوب از تصحیح قیاسی در بعضی موارد تصحیح ذوقی است که پسندیده نیست؛ اما در استفاده از تصحیح قیاسی به‌مثابه یک روش، دقت و احتیاط و نکته‌سنجی مصحح را ضروری می‌داند. دو گونه کلی از تحریفات متن در نظر زرین کوب عبارت‌اند از: عمدی و سهوی. تعصبات مذهبی و غیرمذهبی منجر به تحریفات عمدی متن می‌شود و بی‌سوادی و بی‌دقتی کاتب از جمله عوامل مهم در تحریف سهوی متون کهن است. زرین کوب به اصول و قواعد تصحیح متن در غرب نیز توجه نشان داده و اهتمام مستشرقان در جمع‌آوری نسخه‌های معتبر و اصیل و همچنین دقت و باریک‌بینی آن‌ها در امر تصحیح متن را ستوده است. درباره تصحیحات محققان ایرانی نیز باید گفت که هرچند زرین کوب روش و سلیقه بدیع‌الزمان فروزانفر را به‌طور کلی در تصحیح متن می‌پسندید، برخی از آثار او در این حوزه را خالی از عیب و کاستی نمی‌دانست.

منابع:

- آزادیان، شهرام؛ *نگاهی به تصحیح متون در دوره قاجار*؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۵۴ و ۵۵، زمستان ۱۳۸۲ و بهار ۱۳۸۳؛ ۱۷۰-۱۵۱.
- افشار، ایرج؛ *عبدالحسین زرین کوب*؛ نامه فرهنگستان، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۷، ۲۰-۷.
- افشار، ایرج؛ *نادره کاران (سوگنامه ناموران فرهنگی و ادبی)*؛ به کوشش محمد نیکویه؛ چاپ اول، تهران: قطره، ۱۳۸۳.
- امیدسالار، محمود؛ «آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد: پیشنهاداتی در باب اصطلاحات فن تصحیح»؛ آینه پژوهش، سال ۲۸، شماره ۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶، ۲۱-۹.
- امیدسالار، محمود؛ *علامه قزوینی و فن تصحیح متن*؛ نامه بهارستان، سال ۶، شماره ۱ و ۲، تابستان ۱۳۸۵، ۱۸۹-۲۰۶.

- امین مقدسی، ابوالحسن و شیروانی، داوود؛ *بررسی تطبیقی آراء نقدی احسان عباس و عبدالحسین زرین کوب در نگاه به سنت و تجدد ادبی*؛ کاوش نامه ادبیات تطبیقی، سال ۲، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۱، ۲۵-۱.
- بینش، تقی؛ *روش تصحیح متون فارسی*؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۱۵، ۱۳۵۴، ۴۲۶-۳۹۱.
- جهانبخش، جویا؛ *راهنمای تصحیح متون*؛ چاپ اول، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۸.
- خدیوچم، حسین؛ *حافظ شناسی زرین کوب* (در یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، به کوشش علی دهباشی؛ چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶، ۱۷۵-۱۶۹).
- دیچز، دیوید؛ *شیوه های نقد ادبی*؛ ترجمه غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی؛ چاپ اول، تهران: علمی، ۱۳۶۶.
- زرین کوب، روزبه؛ *یادگاری که در این گنبد دوار بماند* (در یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، به کوشش علی دهباشی؛ چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶، ۱۸۶-۱۷۷).
- زرین کوب، عبدالحسین؛ *تجدید عهدی با خاطره استاد* (در مجموعه مقالات و اشعار استاد بدیع الزمان فروزانفر، به کوشش عنایت الله مجیدی؛ چاپ اول، تهران: دهنخدا، ۱۳۵۱، ۱۱-۷).
- زرین کوب، عبدالحسین؛ *حکایت همچنان باقی*؛ چاپ ۳، تهران: سخن، ۱۳۸۳.
- زرین کوب، عبدالحسین؛ *زرین کوب به قلم زرین کوب*؛ کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۲۳ و ۲۴، شهریور و مهر ۱۳۷۸، ۱۳-۱۲.
- زرین کوب، عبدالحسین؛ *شیوه نقد و تصحیح متون*؛ ماهنامه سخن، سال ۹، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۳۷، ۱۱۰-۱۰۵.
- زرین کوب، عبدالحسین؛ *نقد ادبی (جلد اول)*، چاپ ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- زرین کوب، عبدالحسین؛ *یاد استاد*؛ مجله فرهنگی هنری بخارا، شماره ۸۴، آذر و دی ۱۳۹۰، ۱۱۴-۱۰۵.
- زرین کوب، عبدالحسین؛ *یادداشت ها و اندیشه ها (از مقالات، نقدها و اشارات)*، چاپ ۵، تهران: سخن، ۱۳۷۹.
- شوهانی، سیاوش؛ *دو تأویل از یک تمدن: بازخوانی دو اثر عبدالحسین زرین کوب؛ دو قرن سکوت و کارنامه اسلام*؛ تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۵، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ۲۰۰-۱۵۷.
- ضیف، شوقی؛ *پژوهش ادبی (سرشت، شیوه ها، متن ها، منابع)*؛ ترجمه عبدالله شریفی، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
- علوی، فریده و سعیدی، سهیلا؛ *بررسی پاراتوپی در گفتمان ادبی عبدالحسین زرین کوب و لویی ماسینیون: روایت حلاج از شعله طور تا مصائب حلاج*؛ جستارهای زبانی، دوره ۱۰، شماره ۴، مهر و آبان ۱۳۹۸، ۱۱۱-۹۱.
- عمادی حائری، محمد؛ *تصحیح متون با تأکید بر تصحیح متون فارسی*؛ گزارش میراث، سال ۲، شماره ۲۵ و ۲۶، مهر و آبان ۱۳۸۷، ۴-۱۰.
- مایل هروی، نجیب؛ *تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی*، چاپ اول، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹.
- مجیدی، عنایت الله؛ *کتاب شناسی کتاب ها و مقالات دکتر عبدالحسین زرین کوب* (در یادگارنامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، به کوشش علی دهباشی؛ چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶، ۵۲-۲۳).
- منجد، صلاح الدین؛ *روش تصحیح نسخه های خطی*؛ ترجمه حسین خدیوچم، آینه میراث، سال اول، شماره ۳ و ۴، زمستان ۱۳۷۷ و بهار ۱۳۷۸، ۱۱۱-۱۰۳.
- منصوربخت، قباد و رفعتی پناه، مهدی؛ *نسبت نظر و عمل در تاریخ پژوهی زرین کوب*، جستارهای تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ۱۲۳-۱۰۳.